

یادداشت‌هایی در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی

ربع قرن اخیر

الغاء انحصارها

-۳-

هیئت وزیران در تاریخ ۲۳ مهر تصویب نمودند: از این تاریخ اشخاص و بنگاه‌ها می‌توانند چای، قند و شکر، قماش، اتومبیل، لاستیک و لوازم یدکی اتومبیل وارد کرده بپردازند حقوق انحصاری و عوارض گمرکی مربوط در داخل کشور بفروش برسانند. در ضمن دولت صدها تن قند از شوروی خریده دستور حمل آن را صادر نمود. انحصار برنج نیز ملغی گردید.

اعلامیه وزارت دارائی

پس از لغو انحصار قند و شکر اغلب بازرگانان در صدد تحصیل پروانه ورود قند و شکر برآمده و مقداری هم تاکنون وارد کرده‌اند لکن به‌جای آنکه از این راه کمکی به رفاه و آسایش مصرف‌کنندگان بشود بعکس گرانفروشی واردکنندگان بجداعلی رسیده است تا جائی که بهای شکر که حداکثر ۷۵ ریال برای آنها تمام شده به ۱۷ ریال یا بیشتر می‌فروشند چون ورود قند و شکر مستلزم تحصیل اجازه موقت نماینده تجارته انگلیس است. طبق اطلاعی که رسیده اگر واردکنندگان بیش از ۱۲ درصد سود بازرگانی منظور نمایند مقامات مربوطه از دادن اجازه ورود خودداری خواهند نمود، علیهذا به منظور حفظ منافع بعدی بازرگانان و رفاه مصرف‌کنندگان متذکر می‌شود که رویه فعلی متروک و بازرگانان نباید برای جلب منافع آن خود دیگران را دچار اشکالات بعدی نمایند.

مصاحبه دکتر مشرف نفیسی با مدیران جراید - در مقابل سؤال نمایندگان مشارالیه مطالبی اظهار داشت که برای روشن شدن جریان اوضاع اقتصادی آن روز خلاصه اظهارات ایشان را نقل می‌نمایم:

راجع بملل گرانی و طرز جلوگیری آن اظهار داشتند گرانی دلائل اقتصادی

زیاد دارد. در هر بازار عامل عمده تعیین بهای اجناس قانون عرضه و تقاضا است. مجلس جدید شروع بکار کرد و دولت تازه به ریاست مرحوم فروغی در روز پنجشنبه ۱۳ آذر - ۳۲ به مجلس معرفی شد در این کابینه آقایان دکتر مشرف نفیسی و گلشائیان سمت وزرای دارائی و بازرگانی و پیشه و هنر عضویت داشتند.

هرگاه روزی مالی که برای فروش آورده می شود زیاد باشد و خریدار بیشتری پیدا نشود قیمت آن مال ارزان می شود برعکس اگر مقدار کمتری به بازار بیاید طالب زیاد می گردد و قیمت مال ترقی می نماید.

مطابق آمار دقیقی که تهیه شده در این چند ماه اخیر میزان مصرف اهالی ایران بطور سریعی زیاد شده اگر تولید جنس به همان نسبت زیاد شده بود البته قیمتها ثابت می ماند لکن چون میزان افزایش تولید بسرعت افزایش مصرف نبوده و حتی در مورد بعضی محصولات فلاحتی کمتر از سابق شده قهراً می باید قیمت اجناس ترقی کرده باشد.

حال يك بحث اقتصادی مفصلی است که چرا مصرف زیاد شده و چرا تولید به همان نسبت افزایش نیافته اگر اوضاع شهریور به این طرف را مورد توجه قرار دهیم می بینیم بمراتب بیش از سابق تقاضای اجناس در بازار زیاد شده و حال آنکه جنس عرضه شده از سابق کمتر است به همین جهت در این چند ماه قیمتها بطور عمودی بالا رفته است.

بمدار پیش آمد شهریور غالب مردم یعنی هر کس استطاعت یا وسیله داشتند درصدد برآمدند که تمام یا قسمتی از مایحتاج خود را ذخیره کنند سابقاً در تهران شاید از هزار خانه يك خانه ذخیره آرد نداشت ولی امسال متجاوز از چندین هزار نفر آرد وارد کرده و برای روز مبادا ذخیره کرده اند.

در خصوص قند و چای و برنج و حبوبات آینده نیز چنین رویه اتخاذ شده است نتیجه این است که تقاضای اجناس برابر سابق شده - اما راجع به تولید - آنچه مربوط به داخل است در اثر اغتشاشات شهریور و پایمال شدن محصول و ناامنی راهها و کمیابی وسائل نقلیه و علل دیگر مقدار جنسی که به بازار می آید نسبت بسابق کمتر است و افزایش آن به این زودیاها امکان پذیر نیست آنچه راجع به خارج است جنگ دنیا را فرا گرفته و ارتباطات ایران با بسیاری از کشورهای قطع یا دشوار گردیده دیگر نمی توان انتظار داشت تمام اجناس که از سابق به ما می رسد اگر هم برسد کافی نیست.

بعضی علت گرانی را انحصارهای داخلی می دانند من منکر نیستیم که سیاست ایجاد انحصارها قیمت بعضی اجناس را بالا می برد ولی از شهریور به این طرف وجود انحصارهای داخلی کمترین تأثیری در گرانی زندگانی نداشته بلکه برعکس الفای بعضی از آنها باعث

گرانی شده است بطور مثال برنج ، همه می گفتند از وقتی که دولت برنج را انحصار کرده قیمت برنج بالا رفته است برنج را آزاد کنید قیمت آن برمی گردد به میزان قبل آمدیم برنج را آزاد کردیم نتیجه این شد که قیمت برنج سه برابر سابق شد و فریاد اهالی گیلان و مازندران که برنج قوت آنها است به آسمان رفت .

در این میان مشتی اشخاص که بر علیه انحصار برنج داد و پیداد می کردند استفاده خوبی بردند ولی تمام مصرف کنندگان کشور جریمه این استفاده را دادند . همچنین راجع به قند و شکر ، آمدیم انحصار را برداشتیم ولی چون علاقه به مصرف کننده داشتیم برای احتیاط موجودی قند و شکر دولت را از دست ندادیم يك مقدار هم خودمان به خارج سفارش دادیم نتیجه این شد که امروز دو نرخ برای قند موجود است آنچه دولت می فروشد يك من ۲۵ قران است آنچه در بازار معامله می شود يك من ده تومان است .

راجع به قماش به همین ترتیب اگر دولت قماش وارد نمی کرد امروزمانی توانستیم اوراق جیره بندی قماش را منتشر کنیم هر گاه دولت امروز انحصار پنبه را لغو نمی کند برای این است که می داند آزادی تجارت پنبه باعث خواهد شد که پنبه به کارخانجات دولتی نرسد و به کارخانجات ملی گران فروخته شود در نتیجه قیمت پارچه های ساخت کارخانجات داخلی ترقی کند .

راجع به احتکار - احتکار ، سفته بازی و معاملات طفیلی در افزایش قیمت هایی دخالت نیست اشخاص که اجناس را به مقدار زیادی می خردند و انبار می نمایند و سفته بازها یعنی کسانی که اجناس را از يك دست خریده با سود مختصری به دست دیگر می فروشند کالائی که در انبار است یاد راه می باشد هر گاه مالکیت آن چند دست عرضه شود بطور قطع گران می گردد .

در چند سال اخیر بیشتر این قبیل معاملات در قیمت خانه ، زمین و مستغل صورت گرفت . برای پائین آوردن هزینه زندگانی :

۱- دولت باید مقدار زیادی اجناس مورد احتیاج عمومی را از خارج وارد کند و به بهای نازل در دسترس عموم بگذارد .

۲- دولت باید از سفته بازی و احتکار بوسیله وضع و اجرای قوانین مخصوص تا حدودی جلوگیری نماید .

۳- دولت باید شهرداریها را وادار نماید از اجتماعات کسبه و خورده فروش جلوگیری نماید . در عین حال باید مردم نیز با دولت معاشرت نمایند و تسا می توانند کم مصرف کنند .

ما میتوانیم از وجود او در این کار خطیری که در پیش داریم استفاده کنیم . باید کاری کرد که عناصر صالح از رعب و وحشت خارج شده و بیدار شوند و بهمین سبب من فردا شب از کریم دواتگر و مشکوة الممالک دعوت کرده‌ام که بمنزلم بیایند و شما (منشی زاده) هم در ساعت مقرر تشریف بیاورید تا در زمینه فکری که داریم تبادل نظر کنیم.

«فردا شب ما چهار نفر (ابوالفتح زاده - مشکوة الممالک - کریم دواتگر - منشی زاده) تشکیل جلسه داده بدو از اوضاع بد مملکت و بدبختیها وضعف دولت‌ها ، و خیانت مشتی اوباش و وطن فروش و جاسوسهای اجنبی بحث و گفتگو کرده و در زمینه چگونگی مبارزه با عناصر پلید و فاسد سخن‌ها را ندیدیم تا جائیکه قرار شد ما چهار نفر جمعیت یا کمیته‌ای تشکیل دهیم و برای سعادت مملکت وارد عمل شویم»

پس از مذاکرات زیاد برای این که وسائل کار هر چه زودتر فراهم گردد قرار شد باستثنای کریم دواتگر که استطاعت مالی نداشت ما سه نفر مجموعاً هر ماه یکصد تومان وجه در اختیار کریم بگذاریم و سه قبضه اسلحه (موزر) نیز در دسترس او قرار دهیم تا وی با عواملی که در اختیار دارد درباره خائنین بوطن تصمیم مقتضی اتخاذ کنیم.»

«چند شب دیگر مجدداً دورهم جمع شدیم در نحوه کار و اینکه از کجا شروع کنیم و سراغ چه کسانی برویم و چه کسانی را مستوجب اعدام تشخیص دهیم بحث و گفتگوی زیادی کردیم و بالاخره طی دوسه جلسه باین نتیجه رسیدیم که جاسوسی بدترین و پست‌ترین صفتی است که زیانش مستقیماً عاید افراد و مملکت میشود و اولین قدم برای تعالی مملکت از بین بردن جاسوسان داخلی است که برخلاف مصالح عالی مملکت میشود ، اسرار مهمه را فاش و مطلقاً از شرافت و انسانیت بومی نبرده و بعلت تقویت و حمایتی که اجانب از آنان میکنند مشاغل حساس مملکتی را اشغال و مملکت را در آتش مطامع خود میسوزانند و برای دستمالی قیصریه‌ای را با آتش میکشند.»

صورت اسامی آنمده که مستحق مجازات و اعدام بودند طی چند جلسه تهیه و پس از مذاکرات زیاد قرعه بنام دونفر یکی قائم مقام الملك رفیع و دیگری میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله اصابت کرد و کریم دواتگر مأمور شد با عواملی که در اختیار دارد تکلیف این دونفر را یکسره کند . روزی کریم دواتگر بمن (منشی زاده) گفت که به قائم مقام الملك رفیع دسترسی پیدا نکردیم و به همین سبب کار میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله را جلوتر خواهیم انداخت .

پس فردا شب که اتفاقاً ابوالفتح زاده و منشی زاده در منزل من بودند دفعتاً کریم دواتگر دقایق الباب کرده وارد منزل شد و مست و خندان شرح کشته شدن میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله را برای مایبان کرد و بدین ترتیب پرونده کسی که عمری را با خیانت و دناوت و اعمال شنیع بسر برده بود بسته شد.»

کننده ، واردکننده ، صادرکننده و خزانه دولت بتوانند حیات اقتصادی خود را ادامه دهند و اگر به یک نفر سود سرشاری نرسد دیگری هم زیان کمرشکنی نبرد در این موارد البته تعیین نرخ ارز باید با دولت و منحصرأ با دولت باشد زیرا دولت است که می تواند نسبت به تمام طبقات ذینفع نظر خالص و بی طرفی داشته باشد و یک عده را فدای دیگران نکند این وظیفه دولت هم بسیار سنگین است زیرا با اندک اشتباه ممکن است از عمل خود نتیجه معکوس بگیرد و موجبات زیان جمعی را فراهم کند البته دولت وقتی به تعیین نرخ مبادرت می نماید که در درجه اول قوه خرید و پولهای قابل مبادله را با هم می سنجد و سایر عوامل را در نظر می گیرد .

پس از شهریور چون وضع داخلی ایران و اوضاع دنیا طوری بود که نظارت در امر ارز را بیش از هر موقع تجویز می کرد در واقع راه تجارت با خارج بکلی بسته شده بود و در داخله نیز معاملات از یک شهر به شهر دیگر خالی از اشکال نبود صلاح در این بود که نظارت در کار ارز از دست داده نشود ولی چون در آن موقع مقررات بسیار مشکلی در جریان بود به تسهیل مقررات اکتفا شد از آنجمله ارزهای خارجی به چندین نرخ مختلف خریداری می شد و یک لیره بسته بفروشنده از ۶۸ ریال تا ۱۷۵ ریال قیمت داشت این مقررات از بین رفت و برای لیره و دلار نرخ واحدی منظور گردید .

تعیین این نرخ از یک طرف با قوه خرید داخلی تطبیق می کرد و از طرف دیگر حد وسطی در بین نرخهای صادراتی و وارداتی بود مثلاً قبلاً صادرکننده کالای ایرانی برای هر لیره حاصل از صادرات خود حد وسط ۱۲۰ ریال بدست می آورد نرخ جدید به او اجازه داد بعوض ۱۲۰ ریال ۱۴۰ ریال تحصیل نماید به این طریق صادرات تشویق شده مخصوصاً که با ترقی بهای جنس و دستمزد حمل و نقل و بهره در ایران لازم بود مبلغ بیشتری به صادرکننده داده شود تا بتواند صادرات خود را ادامه دهد واردکننده که می باید لیره خود را به ۱۷۵ ریال بخرد موفق گردید آن را در ۱۴۰ ریال تحصیل نماید و چنین واردکننده اگر بسود معتدلی قانع بود می باید بهای واردات را بیست درصد پائین آورد .

خزانه دولت نیز ضرر این کار را ندید زیرا با تنزل فاحش درآمدهای دولتی در اثر اوضاع شهریور اگر دولت نتوانسته بود دو میلیون لیره دولتی را از قرار ۱۴۰ ریال بفروشد نمی توانست هزینه های دولتی را تا آخر سال تأمین نماید .

خرید بعضی از احتیاجات کشور مخصوصاً گندم دچار وقفه می شد و قحطی سراسر ایران را فرامی گرفت پس در سایه تعیین نرخ ۱۴۰ ریال بود که کشور ایران در ظرف مدت ۵ ماه توانست چرخهای خود را بگردش آورد .

در ظرف این ۵ ماه مقداری ارز البته بیش از آنچه سابقاً معمول بود به کمیسیون ارز عرضه شد و موجودی قبلی کمیسیون به پنج میلیون لیره بالغ گردید در مقابل آن مقداری دیون و تمهیدات ارزی دولت است که اگر موجودی کسر شود بیش از یکی دو میلیون باقی نمی ماند .

اشخاصی که از جزئیات معاملات کمیسیون اطلاع ندارند این افزایش خرید ارز را برای کشور غیر قابل تحمل می دانند عنوان آنها این است که کشور نمی تواند جنس از خارج وارد کند و این پولها و مبالغی که به آنها اضافه خواهد شد بلا استفاده می ماند باید نرخ ارز را آزاد کرد کمیسیون ارز را منحل کرد و از خرید ارز به حساب دولت خودداری نمود اگر به این تقاضا ها ترتیب اثر داده شود چنان فلاکت و بحرانی در ایران پیدا خواهد شد که فقط تصور آنها لرزه بر اندام می آورد .

فرض کنیم نرخ ارز آزاد شد و لیره طبق آرزوی جمعی به ۱۵ ریال رسید آن روز برای دولت ایران روز خوشبختی است یا روز بدبختی آن روز صادرات بکلی از بین خواهد رفت با بالا رفتن قیمت پشم و مزد کارگر و سایر هزینه ها یک ذرع فرش ایران در خارجه قابل فروش نخواهد بود خشکباری که امروز با لیره ۱۴۰ خریدار ندارد چطور در خارجه با لیره ۱۵ ریال بازار پیدا خواهد کرد تمام تولید کنندگان این اجناس ورشکست خواهند شد و دست از کسب بر خواهند داشت .

در قسمت واردات نیز امید پائین آمدن هزینه زندگی مثل خوابهای مرد چرسی است چطور می توان انتظار داشت فروشنده کالای خود را از خارجه به قیمت گزاف بخرد و با هزاران مشقت و تحمل خطرات به ایران بیاورد در مقابل چند ریال هر لیره بگیرد و آن وقت با این چند ریال کالاهای داخلی را به قیمتهائی که همه می دانیم خریداری کند .
و موقعی که در بیست سال پیش تخم مرغ دانه دوشاهی روغن سیری دهشاهی و گوشت چارکی دو قرآن بود وارد کنند کالای خارجی لیره خود را شش تومان می فروخت آیا حالا که تمام کالاها پنج برابر و ده برابر سابق شده می توان مانع شد که ارزهای خارجی تبعیت از بهای سایر اجناس نکنند این عمل مخالف اصلی است که باید نرخ ارز خارجی بر روی اساس قوه خرید پول برقرار شود تا تجارت امکان پذیر باشد پس تنزل دادن نرخ لیره مانع این خواهد شد که جنس به ایران بیاید .

آقای دکتر نخعی رئیس کمیسیون ارز نیز مصاحبه ای در اطراف نرخ ارز و تصویب نامه جدید دولت با مدیران جرائد نموده اظهار داشتند: گرچه نرخ رسمی لیره در سابق ۶۷ ریال بود لکن دولت برای واردات نرخ گواهی نامه فروش ارز را که هر لیره ۱۰۸ ریال

تثبیت شده بود منضم به آن می نمود بطوریکه واردات کالاهای خارجی کشور هر لیره ۱۷۵ ریال تمام می شد در مقابل یک لیره از کالاهای درجه یک که يك قسمت مهمی از کالاهای درجه اول کشور را مثل پنبه - برنج - کتیرا - تریاک و غیره تشکیل می داد به ۶۷ ریال نرخ رسمی فروش می رفت لکن امروز بازار هر لیره از این نوع کالا نیز ۱۴۰ ریال پرداخت می شود ثمره این اقدام متوجه تولیدکنندگان این قبیل کالا شده است نتیجه دیگر این بود که کالاهای خارجی در مقابل هر لیره ۱۷۵ ریال به کشور وارد می شد اینک به ۱۴۰ ریال تقلیل یافته است .

شغل اینجانب در این موقع معاونت کمیسیون ارز بود و از نزدیک شاهد اوضاع و مراقب افکار مردم و نظریات متصدیان امور اقتصادی بودم باید عرض نمایم که صاحبها جلو اعتراضات مردم و نمایندگان مجلس و مدیران جرائد را نگرفت افکار عمومی بشدت با این تصویب نامه و تغییر نرخ مخالف بود و همه به يك صدامی گفتند که این تغییر نرخ و بالا بردن آن نفعه شومی برای اقتصاد کشور خواهد بود زندگانی را سرعت بالا خواهد برد و برپیشانی و درماندگی مردم خواهد افزود .

آقای دکتر مشرف مردی بود عالم و دانشمند در کار خود وارد و بی نهایت بصیر لکن در این باب باید گفت که اشتباه کرد و با افکار عمومی بی جهت مبارزه نمود مردم عموماً نسبت به وی بدبین گردیدند و او را عامل سیاست خارجی دانستند .

بهر حال در اثر مذاکرات پی در پی مقرر گردید کمیسیون بی ریاست خود فروغی و بعضویت عده ای از نمایندگان و مطلقین به امور اقتصاد تشکیل و نسبت به نرخ ارز تجدید نظر نمایند .

این کمیسیون چندین بار تشکیل جلسه داد و بالاخره چنین اظهار نظر نمود که دولت باید در نظر گرفتن مجموع افکار و نظریات و اطلاعاتی که در جریان این جلسات بدست آورده در تصویب نامه راجع به ارز تجدید نظر نموده بطور کلی تصمیماتی که مقتضی و مصلحت کشور است خواهد گرفت .

(ادامه دارد)

را برداشتم و گفتم فقط پنجاه تومان برای آقامیرزا جعفر بس است - پس از طی مقداری راه سی تومان دیگر را برداشتم و خلاصه وقتی بمنزل آقا نزد میرزا جعفر رسیدم فقط بیست تومان برای او در نظر گرفته بودم پول را دادم و میرزا جعفر هم مثل اینکه محکوم یکی از بستگان خودش میباشد حکم بسرعلیه طرف اوصار و تحویل من داد که به موکل خود دادم .

(دنباله دارد)

روز بعد از منزل خارج شده همینکه قدری رفتم به خود گفتم دو بیست تومان برای میرزا جعفر زیاد است پنجاه تومان آن را از جیب خود برداشته در جیب دیگر خود گذاردم . به خود گفتم یکصد و پنجاه تومان برای او کافی است - مقداری دیگر که رفتم گفتم آنهم زیاد است پنجاه تومان دیگر آنرا برداشتم و در جیب خود گذاردم گفتم یکصد تومان کافی است - پس از طی طریق گفتم یکصد تومان زیاد است - پنجاه تومان دیگر